

نظام‌واره مدیریت تحصیلی طلبه

ابراهیم عبدی^۱

واژه «تحصیل» فرایندی را از آغاز یادگیری تا پایان آن در خود، جای داده است. وقتی سخن از درس خواندن می‌شود، تصوّر اولیه این است که یک کتاب و یک رشته مطالب، توسط استاد به شاگرد، منتقل شده و پس از مدتی، آزمون و در نتیجه، قبولی یا عدم قبولی رخ می‌دهد. حال وقتی کنش‌ها و واکنش‌های فرد یادگیرنده را بررسی کنیم به این امور برمی‌خوریم: باورها، تأثیر باورها بر رفتارها، خانواده، دوستان، جامعه و مسائل آن، تأثیر پاسخ مسائل جامعه بر روند تحصیل و ... همه اینها، به تناسب خویش، برآموزش فرد، اثرگذار است.

هنگامی که طلبه در مسیر دانش‌اندوزی با مسائلی متفاوت و درهم‌تنیده روبه‌روست، باید آنها را به گونه‌ای در کنار هم بچیند که ترتیبی منطقی و قابل تحمّل باشد؛ وگرنه دوران طلبگی ملال‌آوری خواهد داشت؛ دورانی که او را خسته کرده و موجب تلف شدن عمر وی خواهد شد. حتی در چنین شرایطی، بیم جدایی او از حوزه می‌رود.

نظام آموزشی کنونی، به دلیل فاصله گرفتن از نظم، ناتوانی در کاربردی‌سازی دانش و دور شدن از سنت‌های اصیل و نتیجه‌بخش آموزشی، رویکرد جدیدی را در «مدیریت دوران تحصیل طلبه» در پیش گرفته که برگرفته از مباحث علوم روانشناسی و تکنولوژی آموزشی است. این رویکرد اگرچه به دلیل پشتوانه خرد بشری، بسیار محترم و ستودنی است؛ ولی موجب کمرنگ شدن بسیاری از خطّ مشی‌های توحیدی علم‌آموزی، آموزه‌های مندرج در میراث سترگ حدیثی با عنوان «آداب العلم» و نیز آثار دانشیان شیعه مانند «منیة المرید» و «آداب المتعلّمین» شده است.

در این نوشتار برآنیم تا مدیریت تحصیلی را با تأکید بر قرآن و حدیث، ترسیم و تبیین کنیم. این بحث، ابتدا در جلسه شهریورماه «گروه همکاران علمی مجله دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث» مطرح شد و پس از پیاده‌سازی، نقد و اصلاح، در قالب سرمقاله، ارائه می‌شود.

۱. معاون آموزش حوزه‌های علمیه استان البرز. (E.abdi۳۵۸@gmail.com)

الف) تعریف مدیریت تحصیلی بر پایه قرآن و حدیث

می‌توان «مدیریت تحصیلی طلبه» را این‌گونه بازشناسی کرد: «مدیریت یک فرایند با ویژگی توحیدی، متشکل از شناخت‌ها و مهارت‌ها، نسبت به طلبه، بر پایه برنامه‌ریزی کارا و مؤثر و با آهنگی ویژه که گام‌های دانش‌اندوزی و کسب معنویت را به پیش برده و از دام‌های آن رهایی بخشد تا طلبه و جامعه را نجات دهد.» این تعریف، قیود مختلفی دارد که در ادامه توضیح می‌دهیم.

ب) ضرورت طلبگی

هر فرد، پیش از طلبه شدن باید با فرایند انتخاب این مسیر آشنا شده و ضرورت طلبگی و هدف آن برایش روشن شود. می‌توانیم از قرآن کریم برای ارائه این اندیشه کمک بگیریم:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ.^۲

(پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند و از هیچ‌کس جز خدا بیم نداشتند.^۳

یعنی طلبه، مبلّغ و رساننده پیام الهی است و از کسی جز خدا، حساب نبرده و خدا را ناظری قدرتمند بر خویش می‌داند.

از سوی دیگر، طلبه، حفظ دین خدا و نمادهای آن را بر عهده دارد:

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ
لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَّمت صَوَامِعُ وَبِيعُ وَ
صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ
يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.^۴

همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست.» و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد. و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

۲. الاحزاب، ۳۹.

۳. ترجمه آیات از آیت الله مکارم شیرازی (حفظه الله) است.

۴. الحج، ۴۰.

بر اساس این آیه، اگر چنین افرادی وجود نداشته باشند، یادی از خدا بر روی زمین باقی نمی‌ماند. حال، اگر طلبه، خویش را بازیابد و به مسؤولیت خود توجه کند، می‌تواند روشن‌ترین نمونه این آیه باشد. بازیافتن طلبگی به بازیابی هویت است. ماهیت طلبه را می‌توان چنین تصویر کرد:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.^۵

شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به‌سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند.

بر پایه این آیه کسانی کوچ می‌کنند تا دین را بفهمند و سپس بفهمانند. حال اگر طلبه‌ای به دنبال فهم دین و فهماندن آن نباشد، از هویت طلبگی دور یا منقطع شده است.

ج) مأموریت طلبه

مأموریت، کاری است که یک فرد باید انجام دهد و وظیفه اوست. طلبه سه مأموریت دارد: یک. شناخت علمی روشمند و زمان‌شناسانه دین.

دو. انتقال آنچه به درستی فهمیده شده، به صورت حکیمانه، با زبان جامعه معاصر و با زبان فرهنگ تأثیرگذار بر جامعه.

مبنای انتقال دانش، آیات و احادیثی مانند این متن است:

مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَىٰ أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّىٰ أَخَذَ عَلَىٰ أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا.^۶

خداوند از دورافتادگان از دانش، پیمان فراگیری دانش نگرفت تا اینکه از دانشمندان، پیمان آموزاندن گرفت.

۵. التوبة، ۱۲۲.

۶. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۸.

علوم و حیانی می‌پردازد و در فرایندی توحیدی کوشش علمی می‌کند، می‌بایست نخستین گام را موخدا نه بردارد و در طول تحصیل خود با توجه کامل، مراقبت کند که چیزی، این نیت پاک را نیالاید. همچنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ.^۹

غایت یگانه دانستنش، اخلاص به اوست.

۲. عمل به علم

عمل به علم، دومین قدم مدیریت طلبگی است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِّلَّهِ، دُعِيَ فِي مَلَكَوتِ
السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا؛ فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِّلَّهِ، وَ عَمِلَ لِّلَّهِ، وَ عَلَّمَ لِّلَّهِ.^{۱۰}

هر که برای خدا علم بیاموزد و برای خدا به آن عمل کند و برای خدا به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمان‌ها از او به بزرگی یاد شود و گفته شود: برای خدا آموخت، برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد.

در برابر، برای نکوهش عالم بی‌عمل، گفته شده است:

اهل جهنم از بوی عالم بی‌عمل آزار می‌بینند.^{۱۱}

پس جای عالم بی‌عمل، جهنم است.

۳. شناخت خود و انسان

تفکر، واژه‌ای پُر کاربرد در قرآن است و در رشد انسان، نقش اساسی دارد. قرآن کریم، تفکر را در چند موضوع از جمله شناخت خدا، جهان و انسان مطرح کرده است.^{۱۲} طلبه باید هم در خلقت طینی خود بیندیشد^{۱۳} و هم در خلقت روحی خود و یا همان «خَلْقًا آخَرَ».^{۱۴}

۹. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۸۶.

۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۰۸.

۱۲. ن. کذآل عمران، ۱۹۱؛ یونس، ۲۴؛ الرعد، ۳؛ الزمر، ۴۲؛ الزوم، ۲۱؛ عبس، ۱۸ و ۱۹ و ۲۴.

۱۳. ن. کذ الانعام، ۲؛ الحج، ۵؛ المؤمنون، ۱۳ و ۱۴؛ هود، ۶۱؛ الحجر، ۲۶ و ۲۸؛ الرحمن، ۱۴؛ الصافات، ۱۱؛ الطارق، ۶.

۱۴. المؤمنون، ۱۴.

۴. تلاوت قرآن، مناجات و توسل

وقتی مأموریت طلبه، شناخت زمان شناسانه دین باشد، باید با کتاب و سنت، ارتباط محکمی برقرار کند؛ چون دین، برگرفته از کتاب و سنت است. از این رو تلاوت روزانه قرآن و حتی در ساعت‌های مختلف شبانه‌روز، کاری ضروری است. همچنان‌که در سوره مزمل آمده:

هرآن چه می‌توانید، قرآن بخوانید.^{۱۵}

گذشته از این، اگر می‌خواهد عاشق قرآن شود و باور درستی به آن داشته باشد، خوب است کتاب «فضل القرآن» الکافی و یا ویژگی قرآن در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه را مطالعه کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّىٰ يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي

تَعَلُّمِهِ.^{۱۶}

برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را یاد گیرد یا در کار یاد

گرفتنش باشد.

مسیر طلبه در ارتباط با قرآن باید به این نقطه برسد:

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: «لَوْ مَاتَ مَنْ يَبْنَ

الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ»

وَكَانَ عليه السلام إِذَا قَرَأَ «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» يُكْرَرُهَا حَتَّىٰ كَادَ أَنْ يَمُوتَ.^{۱۷}

زهري گوید: حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: «اگر همه مردم

زمین بمیرند، من از تنهایی هراس نکنم اگر قرآن با من باشد.» آن

حضرت علیه السلام شیوه‌اش این بود که هرگاه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را می‌خواند،

آن قدر تکرار می‌کرد که نزدیک بود جان سپارد.

۱۵. المزمل: ۲۰

۱۶. الکافی، ج ۴، ص ۶۱۳، ح ۳.

۱۷. الکافی (اسلامیه)، ج ۲، ص ۶۰۲، ح ۱۳.

طلبه از آن رو که در فرایندی توحیدی گام برداشته، باید ارتباطش با مبدأ قطع نشود و مرکب راهوار این ارتباط، بر پایه حدیث امام حسن عسکری علیه السلام، «شب» است:

إِمْتِطَاءُ اللَّيْلِ.^{۱۸}

مرکب راهوار شب!

بازخوانی این آیه نیز ضروری است:

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا

مَحْمُودًا.^{۱۹}

و پاسی از شب را (از خواب برخیز و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!

سپس خداوند می‌فرماید:

وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَ

اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.^{۲۰}

و بگو: پروردگارا! مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری‌کننده برایم قرار ده!

در این دو آیه، خداوند دعایی را در متن نماز شب به پیامبر یاد داده که یکی از محوری‌ترین بخش‌های آن درخواست «سلطان نصیر» است. طلبه برای هدایت‌شدن و هدایت‌کردن به «سلطان نصیر» نیاز دارد؛ نعمتی که با «نافله» به دست می‌آید.

این قسمت را با فرمایشی از امیر مؤمنان علیه السلام به پایان می‌رسانیم:

عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ.^{۲۱}

ای بندگان خدا، به درستی که بهترین بندگان نزد خدا کسی است که خداوند در نبرد با نفسش، او را یاری کند.

برای کامیابی در این مسیر، توسل به اهل بیت علیهم السلام راهگشاست.

۱۸. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰.

۱۹. الاسراء، ۷۹.

۲۰. الاسراء: ۸۰.

۲۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

۵. توجّه به جایگاه استاد

شناخت جایگاه استاد و وظیفه طلبه نسبت به او یکی از مراحل مدیریت تحصیلی طلبه است. برای استاد، جایگاهی حقوقی تعیین شده است:

حَقُّ سَائِسِكِ بِالْعِلْمِ، فَالْتَعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ

الإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ.^{۲۲}

حق آموزگار تو این است که او را تعظیم کنی و در مجلس، محترم بداری و به نیکویی سخنانش را گوش کنی.

همچنین استاد عالم در روایات، اینگونه آمده است:

عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.^{۲۳}

عالمی که از دانشش سود برده شود، از هفتاد هزار عابد بهتر است. در این روایت برتری دانشمند سوخته بر هفتاد هزار عابد (بدون هیچ وصفی و همراه با تنوین نکره) به خوبی روشن می‌شود. در روایت دیگری این گونه آمده است:

وَ النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ.^{۲۴}

نگاه کردن به صورت عالم، عبادت است.

وقتی نگاه کردن به چهره عالم، عبادت است پس می‌بایست حرمت این عبادت را حفظ نمود و همانند عبادات دیگر از آن مراقبت کرد. ابواب حدیثی «فَضْلُ الْعُلَمَاءِ»، «حَقُّ الْعَالِمِ» و «صِفَةُ الْعُلَمَاءِ» در کتاب «فَضْلُ الْعِلْمِ» الکافی منبعی غنی برای یادگیری روش رفتار با استاد است.^{۲۵}

۶. شناخت درس

اگر طلبه نسبت به ارکان درس، شناخت کامل داشته باشد، با انگیزه بیشتری درس می‌خواند و رهنمان، قدرت کمتری در ربودن ذهن او خواهند داشت. این ارکان، عبارت است از: هندسه دانش، سیر مطالعاتی و رؤوس ثمانیه یا عشره، شامل: تعریف، موضوع، بهره و کاربرد، مؤلف نخستین، ابواب

۲۲. تحف العقول، ص ۲۶۰.

۲۳. الکافی، ج ۱، ص ۷۹، ح ۹.

۲۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۲۱۴۴.

۲۵. الکافی، ج ۱، ص ۷۶ و ۸۶ و ۸۹.

و مباحث، جایگاه علم در میان علوم دیگر، هدف، چگونگی آموزش و یادگیری، منابع، زمینه‌ها. «آداب المتعلمین» و «منیة المرید» منابعی در دسترس برای پاسخ به این پرسش‌هاست. در کتاب‌های منطق نیز مبحث «اجزاء العلوم» متکفل شناساندن رؤوس ثمانیه است.^{۲۶}

۷. شناخت فعالیت‌های درسی

فعالیت‌ها به دو دسته مطالعه و تمرین قابل تقسیم است. مطالعه، شامل مطالعات درسی (پیش مطالعه و مطالعه پس از کلاس)، کمک درسی و آزاد می‌شود. هریک از اینها جایگاه خود را داشته و نیازمند برنامه‌ریزی از حیث کمی و کیفی است. تمرین به معنای عام خود بر این موارد قابل انطباق است: تقریرنویسی، خلاصه‌برداری، مباحثه، طرح سؤال، حل مسأله، اجرای ارجاعات. این همان سخن حکیمانه‌ای است که از آغاز تحصیل در حوزه‌ها گفته می‌شود:

الدَّرْسُ حَرْفٌ وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ.^{۲۷}

یاددهی یک مرتبه توسط استاد انجام می‌شود؛ ولی یادگیری آن نیاز به هزار بار تکرار دارد.

۸. آزمون خود

شایسته است که طلبه، خود را از حیث علمی بیازماید. گاهی این آزمون از سوی مرکز مدیریت حوزه برگزار می‌شود. ممکن است طلبه‌ای گمان کند که زمان آزمون، فرصت یادگیری است. این باور، درست نیست. کامیابی در آزمون‌های رسمی (کتبی و شفاهی) روش ویژه خود را دارد. نقطه مشترک این روش، «چکیده‌نگاری» خوب در طول سال تحصیلی است. «فهرست کردن مسائل هر دانش و هندسه آن» و «پاسخ به پرسش‌های اساسی»، می‌تواند محورهای خلاصه‌نویسی را بسازد.

البته آزمون با روش امروزی، پیشینه‌ای در سنت‌های اصیل حوزوی ندارد. پیشتر، استاد در طول جلسات فراوان درسی، شاگردان را می‌سنجید. شاگرد با استاد خویش، انس می‌گرفت و او به قوت‌ها و ضعف‌های علمی دانش‌پژوه آگاه می‌شد. با این روش، استاد به صورت حقیقی، ارزیابی بلندمدتی از شاگردان خویش داشت و همین، آزمونی واقعی بود؛ چراکه شاگرد، در طول درس‌ها و رفت‌وآمدها و بدون اضطراب، توسط کسی که او را از حیث درسی و رفتار علمی کاملاً می‌شناخت، مورد قضاوت قرار می‌گرفت؛ نه همانند آزمون‌های شفاهی امروز، در یک جلسه پر اضطراب ده دقیقه‌ای آن هم از سوی کسی که هیچ شناخت دوطرفه‌ای بینشان وجود ندارد. روشن است که

۲۶. ن. کذ الالفاظ المستعملة فی المنطق، ص ۹۴؛ الشفا (الالهیات)، ص ۱۰؛ النجاة، ص ۱۳۰؛ کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۱۷ تا ۱۷؛ موسوعة مصطلحات علم المنطق، ص ۳۱۹.

۲۷. امثال و حکم، ج ۱، ص ۲۴۶.

قضاوت در فرض دوم، غیر جامع بوده و در حقیقت، ممتحن، با تصوّرات خود، نمره‌ای را ثبت کرده که نه نشان‌دهنده سواد شاگرد است و نه کم‌سوادى او. شایسته است که طلبه همواره خود را در معرض آزمونى اصیل قرار دهد و فعالیت‌های علمى خویش را با راهنمایى استاد به پیش ببرد.

۹. تلاش

شاید فاخرترین و موجزترین عبارت در باب تلاش، این حدیث باشد:

شُغِلَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَمَامَهُ. ۲۸

کسى که بهشت و دوزخ روبروى اوست، همیشه مشغول است. اگر طلبه با اندیشه توحیدى همراه شود و یاد معاد را پیوست خود کند، فرصت‌ها را غنیمت مى‌شمرد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

وَ أَحَدُّكُمْ الدُّنْيَا فَاتَّهَا مَنَزِلٌ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ. ۲۹

شما را از دنیا مى‌ترسانم که منزل کوچ است نه جای اقامت. «نجع» به معنای علف‌زاری است که حیوانات در آن مى‌چرند و چاق مى‌شوند. معنای سخن آن است که دنیا علف‌زار و جای چریدن و سرگرم‌شدن نیست! باید کار کنیم و جدا بشویم و برویم. امام علیه السلام در جایی دیگر فرمودند:

فَإِنَّهُ وَ اللَّهُ الْحِدُّ لَا اللَّعْبُ. ۳۰

به خدا قسم، مرگ و رفتن از این دنیا جدی است، نه شوخی. چرا امام علیه السلام قسم خورده‌اند؟ چون مخاطب، متوجه اهمیت مسأله نبوده و یا به مقدار لازم، توجه نداشته است. شایسته است مدیریت تحصیلی طلبه با وفق معاد تنظیم شود.

۱۰. یادگیری زندگی گروهی

یادگیری مهارت زندگی جمعی از آن رو اهمیت دارد که طلبه، بخشی از عمر خود را در حجره مى‌گذراند. این تجربه مى‌تواند راه زندگی آینده را برای وی هموار کند. او باید بتواند رازداری، گذشت، ایثار، کمک به دیگران، تغافل، هم‌گامی با دوستان در خوشی و ناخوشی، حساسیت و غیرت دینی اجتماعى و ... را یاد بگیرد.

۲۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۲۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

۳۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲.

۱۱. اطاعت‌پذیری

اطاعت از برخی کسان، واجب شمرده شده است. خداوند، اطاعت از پیامبر ﷺ، امام علیؑ و نمایندگان خاص و عام او، پدر و مادر، استاد و قانون شرعی را واجب شمرده است. هر کدام از اینها شرایط، قیود و ضوابطی دارد که باید فراگرفته شود. طلبه باید مسیر اطاعت‌پذیری را ببیند ولی از انزوا و ضعف دور بوده و گرفتار تکبر و غرور هم نشود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هدایت‌یافتگی، تبعیت و پیروی است. این مهم در مجموع ۳۰۹ مورد کاربری هدایت و ۱۷۴ مورد کاربری تبعیت در قرآن قابل مطالعه است.

۱۲. شناخت جایگاه طلبگی

شایسته است برای هر طلبه، روشن شود که جایگاه او کجاست؟ پاسخ به این پرسش کلیدی، هویت وی را می‌سازد. جایگاه طلبه از حیث علمی، معنوی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... نیازمند تبیین برای طلب و حتی مردم است. هنوز بسیاری از مردم نمی‌دانند که طلبگی چیست و یک طلبه چه وظیفه‌ای بر عهده دارد. این مسأله موجب می‌شود که گاهی طلب‌آموزان مورد تشویق یا انتقاد نادرست واقع شوند که هر دو زیان‌بار است. زندگی طلبگی مفهومی است که ذیل مفهوم کلان‌تر «جایگاه طلبگی» جای می‌گیرد. یک طلبه باید درباره این امور چارچوب فکری درستی داشته باشد: خرید خانه و ماشین و لوازم منزل، انتخاب همسر و سن ازدواج، میزان و زمان ساعات تحصیل و تبلیغ و تحقیق و پاسخگویی به مردم، چگونگی و کمیت عبادت، چگونگی رفتار با خانواده و مردم، میزان و مقصد و چگونگی مسافرت، خوراک، پوشاک و ... شایسته است که طلبه در طول زندگی تحصیلی خود، درباره این مسایل، اندیشه و مشورت و تحقیق کند و منظومه فکری و رفتاری خویش را بسازد. اثرگذاری طلبه در جامعه منوط به داشتن مسیری درست و پاسخ به این پرسش‌هاست.

۱۳. ورزش

سلامت جسمی، زمینه‌ای برای پیشرفت تحصیلی و معنوی و ... است. سلامتی دارای دو بال است: ورزش و تغذیه. منظور از ورزش، گونه حرفه‌ای آن نیست؛ بلکه ورزش‌های عمومی مانند کوه و جنگل‌نوردی، کویرو راه‌پیمایی، شنا و نرمش روزانه است. امیر مؤمنان علیؑ، «قوت» را زمینه «خدمت» دانسته و از خدا می‌خواهد:

يَا رَبِّ قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي. ۳۱

خدایا تنم را در راه خدمت به خودت قوی کن.

در همین راستا رهبر معظّم انقلاب اسلامی «تحصیل»، «تهذیب» و «ورزش» را برای نوجوانان و جوانان، ضروری دانستند.^{۳۲}

۱۴. اندیشه درباره روزی طلبه

یکی از مباحث رایج در میان افراد جامعه، موضوع درآمد است. این مسأله با پیوست‌های ویژه‌ای در میان طلباب نیز مطرح می‌شود. شایسته است که طلباب، موضوع «درآمد» را از زاویه «رزق» بنگرند و برای فهم آن حدود ۱۱۰ آیه قرآن درباره «رزق» را مطالعه کرده و در روایات ذیل آن بیندیشند. مفهوم «عدل الهی» هم با این موضوع، ارتباط دارد و اگر به درستی فهمیده نشود، در ادامه زندگی، افراد را دچار سردرگمی عقیدتی و رفتاری می‌کند. جان سخن در این بیان امیر مؤمنان علیه السلام نهفته:

الْعَدْلُ إِلَّا تَتَّهَمُهُ. ۳۳

عدل آن است که خدا را متهم نکنی.

بنابراین اعتراضی چنین: «چرا دیگری دارد و من ندارم؟!» در زندگی طلبه جایگاهی نخواهد داشت. فهم این مطلب که «کلید گنج‌های آسمان و زمین در دست خداست.»^{۳۴} و «خداوند برخی را بر برخی دیگر از نظر مالی برتری داده است.»^{۳۵} و «مهر تأیید به ایمان کسی می‌خورد که به آنچه در دست خداست بیشتر از آنچه در دست و جیبش است، اطمینان کند.»^{۳۶} در گرو اندیشیدن و توجه به نعمت‌های اعطایی خداست.

۱۵. کار

طلبه می‌تواند پس از دوره شش ساله یا ده‌ساله تحصیلی خود، آغاز به کار کند. لازمه این روش آن است که او پایه علمی لازم را کسب کرده و زمینه ورود به بازار کار را داشته باشد. در روایات متعددی، نان‌خوری از علم و نیز از بیت المال، مکروه شمرده شده است. «فرهنگ‌نامه تجارت»، یکی از منابعی است که برای مطالعه در این زمینه می‌توان به آن مراجعه کرد. نان‌خوری از علم یعنی تکیه انسان بر حقوق تدریس یا تحصیل یا تبلیغ باشد. اگر تکیه اقتصادی زندگی بر درآمدی این‌چنین نباشد، ولی دیگران به عنوان هدیه و ... چنین پولی بدهند، گرفتن و مصرف آن اشکالی ندارد. همه

۳۲. در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور، ۱۳۸۶/۰۲/۱۹.

۳۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۰.

۳۴. الشوری، ۱۲.

۳۵. النحل، ۷۱.

۳۶. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۰.

اینها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است؛ وگرنه طلبه یا از علم فاصله می‌گیرد و یا کار را رها می‌کند. در حالی که اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب ایشان هیچ‌گاه، کار را ترک نکردند.

۱۶. هدایت مردم و تبلیغ دین

رسالت طلبه، ارتباط با مردم برای هدایت آنهاست. «مدیریت تحصیلی» باید طلبه را از حیث علمی، معنوی و رفتاری به چنین مرحله‌ای برساند. یکی از مهم‌ترین محورهای تبلیغ دین، عمل به دین توسط طلبه است. این کار، درستی سخنان تبلیغی را نزد مردم اثبات می‌کند. مردم در همه مستحبات، مکروهات، واجبات و محرمات نیاز به دیدن رفتارهای طلبه دارند. غایت تحصیل در حوزه ایفای نقش هدایت‌گری و حجت‌بودن است.

۱۷. رابطه با انقلاب اسلامی

شایسته است که طلبه، مفهوم «ولایت فقیه»، «انقلاب اسلامی»، «حکومت اسلامی»، «جمهوری اسلامی» و «قانون اسلامی» را بفهمد و نوع رابطه خویش را آن، تعیین کند. ساختن نظام تمدنی اسلام از وظایف حوزه‌های علمیه است. چگونگی حرکت در مسیر این تمدن امری است که در ابعاد نظری و اجرایی‌اش نیازمند ورود عالمانه طلاب است.

۱۸. آشنایی با اسناد بالادستی حوزه

آشنایی با این اسناد، به طلبه کمک می‌کند تا درک درستی از نظام فکری سازمان متبوع خویش یعنی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه داشته باشد. این کار موجب می‌شود تا تلاش وی جهت پیدا کرده و خود را هدفمند بداند.

نتیجه

مدیریت تحصیلی طلبه، یک فرایند است. برای اداره این فرایند می‌توان از توصیه‌ها و روش‌های امروزی بهره برد. همچنین می‌توان سنت‌های اصیل حوزه و قوت‌های شیوه نوین را در چارچوب‌های قرآنی و حدیثی ملاحظه کرده و فرایندی توحیدی را شکل داد. این فرایند، یک چرخه دارای اجزا، درهم تنیده، منضبط، نظام‌مند و هدف‌دار است. همه اجزای این فرایند به دنبال هدف دانش‌اندوزی و کسب معنویت طلبه و رساندن او به مرحله هدایت‌گری و نجات خود و جامعه است. آغاز و انجام و متن این فرایند را نگاه توحیدی با استناد به قرآن و سنت می‌سازد. اجزای یادشده، شامل ۱۸ کاری است که هر طلبه باید به انجام برساند و تکلیف خود را از حیث ذهنی و رفتاری با آن روشن سازد. این اجزا پس از بازخوانی فشرده و اولویت‌دهی به گزاره‌های برگرفته از کتاب و سنت و در نظر گرفتن

نویافته‌های بشری در زمینه «دانش‌اندوزی» تهیه شده است. فراموشی این فرایند در مدیریت از سوی مدیران و یا در تحصیل از سوی طلبان، مانع طلبه برای رسیدن به مرحله «هدایت‌گری» بوده و گاهی موجب جدایی او از حوزه خواهد شد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. الالفاظ المستعملة فی المنطق، فارابی، تحقیق محسن مهدی، تهران، مکتبه الزهراء، ۱۴۰۴ق.
۳. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، تحقیق گروهی از پژوهشگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۴. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
۵. الشفاء (الالهیات)، ابن سینا، تحقیق ابراهیم مدکور و جورج شحاته قنواتی و سعید زاید، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۶. فرهنگنامه تجارت و داد و ستد، محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۹۵ش.
۷. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق دار الحدیث، قم، دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ق.
۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۹. کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۰. کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، محمد علی تهبانوی، بیروت، مکتبه لبنان الناشرین، اول، ۱۹۹۶م.
۱۱. مصباح المتجهّد و سلاح المتعبّد، شیخ طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ق.
۱۲. منیه المرید، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، تحقیق رضا مختاری، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۳. النجاة من الغرق فی بحر الضلّالات، ابن سینا، تهران، دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۹ش.
۱۴. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.